



اخراج مستندسازان و واکنش جبلی

عربستان شش نفر از اعضای گروه رسانه‌ای بعثه رهبری در مدینه را از عربستان اخراج کرد. عصر ایران ضمن اعلام این خبر نوشت، این گروه رسانه‌ای شامل شش خبرنگار و مستندساز، سه‌شنبه هفته پیش در حال ضبط تلاوت قرآن کریم در مسجدالنبی دستگیر شدند. آن‌ها پس از چندین ساعت بازجویی و بدون اعلام دلیل به بازداشتگاه پلیس مرکزی مدینه منتقل شدند. جبلی رئیس صداوسیما در واکنش به این اقدام عربستان گفت: همکاران عزیز ما هر سال به‌صورت قانونی به حج اعزام می‌شوند و در قالب تیم رسانه‌ای بعثه جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند. این روال هر سال اتفاق می‌افتد و همکاران رسانه‌ای ما فضای عمومی حج را روایت می‌کنند. این اتفاق برای ماهم عجیب بود؛ برای اینکه در سال‌های گذشته شاهد این اتفاقات نبودیم و هنوز هم از علل این اتفاق مطلع نیستیم و پیگیری‌های لازم را انجام می‌دهیم.



رکورد آد استوری شکست

پس از حمله موشکی اسرائیل به اردوگاه آوارگان فلسطینی در شهر رفح در جنوب نوار غزه، پوستری با عبارت «همه چشم‌ها به رفح (All Eyes On Rafah)» برای همدردی با مردم فلسطین و محکومیت این جنایت، میلیون‌ها بار در فضای مجازی به اشتراک گذاشته شد. پس از این حملات، تصاویری از بدن‌های سوخته آوارگان فلسطینی به‌طور گسترده در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد. این پوستر تصویر چادرهایی است که شعار «همه چشم‌ها به رفح» را نشان می‌دهد، جایی که تقریباً ۱/۵ میلیون نفر زیر بمباران هستند. شعار «همه چشم‌ها به رفح»، از بیانیه «ریک‌پیپرکون»، مدیر دفتر سازمان جهانی بهداشت در اراضی اشغالی فلسطین نشأت گرفته است. هشتگ #AllEyesOnRafah بیش از ۱۹۵ هزار پست و میلیون‌ها بازدید در رسانه‌های اجتماعی به دست آورده و در شبکه اجتماعی اینستاگرام ترند شده است.



تعليق نماوا

خانه سینما از تعلیق عضویت و قطع همکاری صنوف سینمایی با محمدحسن شانه‌ساززاده، نایب‌رئیس هیئت‌مدیره شبکه نمایش خانگی نماوا به‌دلیل اظهارات توهین‌آمیز او خبر داد. در واکنش به صحبت‌های محمدحسن شانه‌ساززاده که بازیگران و تهیه‌کننده‌های سینمای ایران را به بی‌اخلاقی متهم کرده بود، جامعه اصناف سینمای ایران اطلاعیه‌ای مبنی بر قطع همکاری خانه سینما و تعلیق عضویت او صادر کرد. در متن رأی آمده است: جامعه اصناف سینمایی عضو خانه سینما، نسبت به تعلیق عضویت و قطع همکاری با نامبرده در تمام امور سینمایی و پلتفرهای نمایش خانگی و امور صنفی تا پایان سال ۱۴۰۴ اقدام کنند. هیئت‌رئیس خانه سینما، ضمن نکوهش سخنان خارج از اخلاق نامبرده، تاکید کرد که حق شکایت فردی در محاکم قضایی برای سینماگران محفوظ است و این رأی با توجه به جوانب حقوقی و صنفی جامعه اصناف سینمایی صادر و منتشر شده است.

خونِ بسی‌رد

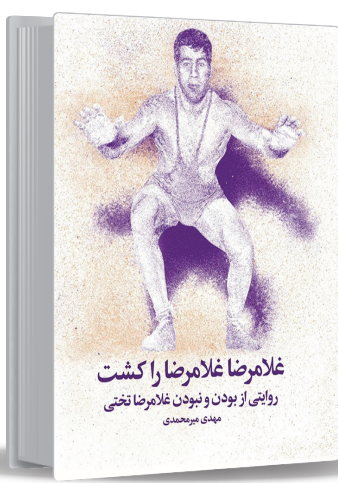
روایتی از بودن و نبودن غلامرضا تختی وزخم‌های کهنه‌ای که باز می‌شود



گرفت که جنایتی در بین نبوده و به دست کسی کشته نشده و مرگ او بر اثر خودکشی است و گزارش خواهد شد.»
 حال مردمی که تختی را تا حد پرستیدن دوست می‌داشتند، چگونه باور کنند که پهلوانی با چنان عظمت، در گوشه‌ای از این جهان، به چنان ناامیدی و زنج عظیمی رسیده است که هیچ راه مقابله‌ای برای آن نداشته است جز مرگ؟ مردم درب غسل‌خانه را می‌شکند و برای وداع با تختی، بر جسم آرام خفته‌اش بر سنگ غسل‌خانه هجوم می‌برند تا با پهلوان خود وداع کنند. گویی دلیل مرگ حتی اگر خودکشی هم باشد، ذره‌ای از قداست جهان پهلوان نمی‌کاهد! تختی بر دستان مردم، به سمت خانه ابدی‌اش روانه می‌شود؛ در خاک آرام می‌گیرد و حالا درست اول داستانی است که هرگز خاتمه نیافته است. گمانه‌زنی‌ها درباره مرگ تختی هر روز بیشتر می‌شود. در همان ساعات اولیه و با به دست آمدن یادداشت‌های دست‌نویس تختی، اختلاف‌نظر او با همسرش به چشم می‌خورد. خبرنگار مجله زن روز، هشت‌ساعت پس از مرگ تختی، با همسرش، شهبلا توکلی، مصاحبه می‌کند و او به سوالات ریز و با جزئیات خبرنگار پاسخ می‌دهد و در پایان کلام خود می‌گوید: «بنویسید تختی قربانی دو چیز شد؛ اول حساسیت و زودرنجی خودش و بعد مذاخلات خواهرش‌شوهرها در زندگی خصوصی اش.» خانواده شهبلا توکلی، خود را از این اتهام تبرئه می‌کنند و پس از آن به سکوتی چندین و چندساله پناه می‌برند. در همان روزها، دست‌خط‌های بیشتری از تختی یافت می‌شود و در هر دو روزنامه کیهان و اطلاعات، روزنوشت‌های تختی به چاپ می‌رسد. اما چیزی که به چشم می‌خورد، اختلافاتی است که در انتشار این یادداشت‌ها مشهود است. برای ذهن مخاطبی که حالا در حدس و گمان بسیار است، همه چیز شک‌برانگیز است. عده‌ای تختی را بزرگ‌تر و صبورتر از آن می‌دانستند که به خاطر اخلاقات خانوادگی تن به مرگ خود خواسته دهد و اینگونه پای سلاواک را به میدان اتهام بازمی‌کنند. نقل قول‌هایی از نزدیکان غلامرضا تختی، این گمانه‌زنی را نقض می‌کند اما عده‌ای هم هستند که مخالف این اتهام نیستند. چرا که چند نفر از افراد حاضر در هتل آتلانتیک و پس از آن در غسل‌خانه، مدعی شده‌اند که در پس سر تختی، شکستگی‌ای

معرفی کتاب

غلامرضا غلامرضا را کشت نویسنده: مهدی میرمحمدی انتشارات: چشمه قیمت: ۳۹۰ هزار تومان



به مو به‌نقل از دوستان و نزدیکان و افرادی که به هر نحوی پای در این داستان پر طول و تفصیل داشته‌اند روایت شده است. در آن روزهای شوم تاریخ که تمام ایران در سوگ رستمی بود که جان بی‌قرارش آرام خفته بود، روزنامه‌های کیهان و اطلاعات، در رقابتی تنگ‌ننگ، هر آنچه از چربی این سوگ در دست بود را منتشر می‌کردند. یکی از چگونگی باز کردن درب اتاق تختی در هتل می‌گفت و دیگری از لیوانی کنار تخت او و مایعی شفاف در لیوان. دیگری از ۲۰ قرص اسپرین و سه عدد قرص قرمز رنگ می‌نوشت و دیگری از کاغذهایی با سربرگ هتل آتلانتیک و نوشته‌هایی به خط تختی در لحظات پایانی زندگی‌اش بر آن‌ها. در این میان خبرنگاری از نشریه تهران‌مصور، یکی از افرادی است که از سد پلیس‌های مقابل پزشکی قانونی عبور می‌کند و خود را به اتاق کالبدشکافی تختی می‌رساند و سرگشتگی پزشکان را در آن لحظات بر بالین جسم بی‌جان تختی روایت می‌کند. آخرین گزارشی که از پزشکی قانونی به دست می‌آید، نظر دکتر طباطبایی است که می‌گوید: «در بدنش هیچ‌گونه علامتی ندارد ولی به‌طور قطع و مسلم از لحاظ پزشکی قانونی می‌توان این نتیجه را

کاو نده فرو تن معنادر تناقض‌ها

سینمای نوری جیلان دعوتی به تأمل در حقیقت نهفته در ناهمگونی هاست

معرفی کتاب

همشه همان ابرها نویسنده: مهمت اریلماز مترجم: محمد فهیمی انتشارات: گیلگمش قیمت: ۹۵ هزار تومان



را بسازد، نوشتن فیلمنامه نصب خواهرش، آمینه شد و نقش‌های اصلی فیلم را هم پدر و مادرش بازی کردند. هیچ‌کدامشان البته بعدتر راضی نشدند بازی خود را ببینند. به هر روی همین نزدیکی بیش از حد کارگردان به مضمون، موضوع و مکان فیلم هم شاید باعث شد که در جشنواره آنتالیا فیلم را با این استدلال که مستند است، از بخش مسابقه خارج کنند.
 جیلان جوان قبل از فیلمسازی، مهندسی برق می‌خواند و البته از ۱۶ سالگی به عکاسی علاقه‌مند



فرزاد نعمتی خبرنگار گروه فرهنگ

«همشه همان ابرها»، نام کتابی مشتمل بر گفت‌وگوها با نوری بیلگه جیلان، مشهورترین کارگردان ترکیه در جهان امروز است؛ هنرمندی که تاکنون ۱۰ فیلم ساخته است و کسب جوایزی معتبر و دریافت تقدیهایی تحسین‌برانگیز نشان می‌دهد که در خلق سینمایی خلاقانه و تأمل‌برانگیز موفق بوده است. او نخستین فیلم بلند خود «قصه» را در سال ۱۹۹۸ و در ۳۹ سالگی ساخت؛ فیلمی که در واقع بازگشت جیلان به دوران کودکی خود در روستایی کوچک است. پدرش، مهندس کشاورزی در استانبول بود اما در تصمیمی بلندپروازانه تصمیم گرفت به روستای آبا و اجدادی بازگردد و تحولی در آنجا پدید آورد. نتیجه البته شکست این کمال‌گرایی و تبدیل آن به سرخوردگی و یأس بود. نوری با خواهر و مادر به استانبول بازگشت زیرا انتقال کار پدر به دشواری بر خورده بود. دوران نداری فرا رسید. بعدتر که خواست فیلم «قصه»

شد. بعدتر نیز با اشتیاق راه غرب را در پیش گرفت؛ همان جایی که در دوران تحصیل مهندسی در دانشگاه بغازچی رویای آن را در سر می‌پروراند. به لندن سفر کرد اما کم‌کم احساس کرد آنچه از ارزش‌های غربی انتظار دارد، با روحش منطبق نیست. در همان روزها کتابی درباره منطقه هیمالیا توجهش را جلب کرد و این گمان را در او پروراند که معنای زندگی را می‌تواند در شرق بازجوید. راهی نیال شد و ۴۰۰ کیلومتر در دو ماه در آن منطقه پیاده‌روی کرد. نتیجه بازمی‌آبوس‌کننده بود: «هیچ نشانی از معنایی که در جست‌جویش بودم، نبود.» دلش برای ترکیه تنگ شده بود و بازگشت؛ بازگشتی که این بار او را در مسیری که اینک در آن می‌درخشد، قرار داد؛ فیلمسازی.
 در ۳۰ سالگی عکاسی را رها کرد و بالاخره پس از کلی استرس و ترس نخستین فیلمش را که فیلمی کوتاه به‌نام «پبله» بود در سال ۱۹۹۵ ساخت؛ فیلمی که فیلمنامه نداشت و ساختش یک‌سال به طول انجامید. برگزیده شدن فیلم برای جشنواره کن اما اعتمادبه‌نفس نوری را احیاء کرد. خود در این باره می‌گوید، هر آنچه سعی داشته درباره تکنیک سینما یاد بگیرد بیش از همه در طول ساخت همین فیلم آموخته است؛ شاید مصداقی از آن سخن داستایوفسکی: «هیچ‌چیز سودمندتر از آغاز کردن یک کار نیست.» موفقیت‌های نوری جیلان اما با فیلم‌هایی چون «اوزاک» (۲۰۰۲)، «اقلیمها» (۲۰۰۶)، «سه میمون» (۲۰۰۸) و «روزی روزگاری در آناتولی» (۲۰۱۱) ادامه یافت و با «خواب زمستانی» (۲۰۱۴) به اوج خود رسید. فیلم‌های نخست در جشنواره کن درخشیدند و علاوه بر اینکه نامزد دریافت نخل طلائی شدند، جایزه بزرگ جشنواره کن را برای جیلان به ارمغان آوردند. «خواب

